

تناظر معنایی بین دو زوج واژه عام و سنة در قرآن

(بر مبنای هم‌معنایی نسبی)

نسیم عربی*

چکیده

کلمات «سنة و عام» که هر دو در قرآن استعمال شده‌اند، در ابتدای امر هم‌معنا تلقی می‌شوند. این نوشتار به دنبال پاسخ‌گویی به وجوه معنایی این دو زوج واژه در آیات قرآن کریم است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، رویکرد نظری لغت‌شناسان راجع به این کلمات را بررسی و نقش تفسیری و معانی لغوی هر یک از آنها را مورد مطالعه قرار داده است. با مراجعه و دقت در کتاب‌های لغوی و بافت تاریخی آیات، روشن شد این دو زوج واژه هر کدام فی‌ذاته در قرآن در سه وجه معنایی به‌کار رفته است. وجه اشتراک آنها در مدلول حقیقی (گاه شماری قمری)، و مدلول مجازی (زمان) است. و تمایز معنایی آنها در این است که «سنة» برای گاه‌شماری قمری و شمسی هر دو اطلاق شده و اعم از کلمه «عام» است که تنها برای گاه‌شماری قمری استفاده شده است، همچنین این دو واژه مطابق کاربردشان در برخی آیات، در یکی از وجوه معنایی آنها با یکدیگر در تضاد هستند. «سنة» برای سالی به‌کار رفته، که در آن خشک‌سالی، حوادث سخت و ابتلاءات سخت الهی رخ داده است؛ اما «عام» برای سالی استعمال شده، که در آن ترسالی، فراوانی نعمت و آسایش در زندگی وجود داشته است.

کلیدواژه‌ها: ترادف، عام، سنة، گاه‌شماری

* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، Dr.nasimarabi@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۲۲

۱. مقدمه

معنای مترادف در قرآن، واژگان مرتبط در یک حوزه معنایی است که بافت و سیاق آیات از عوامل دخیله در آن است (بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶: ۲۲۶). تعریف هم‌معنایی نسبی با التفات به شمار معنایی یک واحد زبانی صورت می‌پذیرد؛ به این ترتیب که اگر شمار معنایی گوناگون دو واحد زبانی را در نظر بگیریم، آن دو واحد زبانی دست‌کم در یکی از معانی‌شان با هم تفاوت دارند یا به بیان دیگر، تعداد این معانی در مورد آن دو واحد زبانی متناظر نیست؛ بنابراین، اگر دو واحد زبانی در یک بافت زبانی معین به کار روند و آن بافت از نظر معنایی مبهم شود، در کنار دانشمندانی که بر مترادف و هم‌معنایی صحه گذاشتند، گروهی از زبان‌شناسان نیز معتقدند، هم‌معنایی واقعی در میان واژه‌ها وجود ندارد و هیچ دو واژه‌ای نیست که دقیقاً بر یک معنا دلالت کند (ن.ک: پالمر، ۱۳۸۷: ۱۱۱-۱۰۵). ابو هلال عسکری، عطف دو واژه هم معنا را خطا می‌داند (عسکری، ۱۹۷۳: ۱۳) و معتقد است، چنانچه دو واژه در یکی از موارد، نظیر استعمال، صفات، تأویل، حروف تعدی، اشتقاق، حرکت و صیغه با هم فرق داشته باشند، مترادف نمی‌شوند (همان، ۱۶ و ۱۷). برای یافتن تفاوت‌های بین دو واژه ضروری است، وجوه معنایی هر واژه به طور مستقل مطالعه شود. گاهی لفظی مشترک در استعمال حقیقی خود بر دو معنای مختلف یا بیشتر به طور یکسان و برابر دلالت می‌کند (عبدالنواب، ۱۳۶۷: ص ۳۶۷) و گاهی انتقال از یک معنای حقیقی به معنای مجازی منجر به تغییر در معنای واژه می‌شود. دو واژه «سنة» و «عام» از واژه‌های نظایر و قریب‌المعنا هستند. در جستار حاضر بررسی تفاوت یا مترادف معنایی، با محوریت دو واژه، مورد نظر است. تاکنون در این زمینه، مقاله تخصصی نوشته نشده است. از بین پژوهش‌های نگارش- یافته در این زمینه، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲. پیشینه

جستار «عام و سنة در قرآن کریم» نوشته مهدی عصاره (بینات، ۱۳۸۰، شماره ۳۲) صرفاً یک جمع‌آوری ساده و تنها مبتنی بر یک منبع «تفسیر دکتر بازرگان» و بدون استناد به منابع علمی معتبر است. در نهایت نتایج غیرقطعی، گاهی مغایر با بافت تاریخی تقویم باستانی حاصل شده است. پایان نامه کارشناسی ارشد دفاع شده در سال ۱۳۹۳ با عنوان «بررسی آیات زمان در قرآن کریم» اثر هاجر اسدی در دانشکده الهیات و معارف اسلامی مازندران. نویسنده ذیل این موضوع به تفاوت کلی و اجمالی زمان در دنیا و برزخ و آخرت پرداخته

است و نیز، مرتضی براتی و همکارانش در مقاله‌ای با عنوان «زمان در قرآن» (نشریه آیین حکمت، شماره ۲۷)، به مسائل کلامی و فلسفی مربوط به زمان قرآنی پرداخته‌اند. مقاله «نسبیت زمان در قرآن، اثر مرتضی دانشمند(بشارت، ۱۳۸۲، شماره ۳۵)، با نگاهی فلسفی و مقاله «بررسی زمان واقعی و زمان دستوری در قرآن» نوشته کرد زعفرانلو(اسلام‌پژوهی، ۱۳۸۵، شماره ۳)، با رویکردی زبان‌شناختی به مبحث زمان در قرآن پرداخته‌اند. به‌رغم تلاش‌های مستقل و ضمنی صورت‌گرفته، هنوز پژوهشی جامع در زمینه بررسی تفاوت لغوی واژه‌های «عام و سنة»، که همه زوایای موضوع را بسنجد، عرضه نشده است. نویسنده این جستار تلاش می‌کند به روش توصیفی-تحلیلی، این موضوع را بررسی کرده و توضیح دهد:

۱. وجوه معنایی واژه‌های «عام و سنة» چیست؟
۲. تفاوت و ترادف معنایی لغوی واژه «عام» و «سنة» چگونه با مضامین و سیاق آیات قرآنی شامل حداقل یکی از این دو واژه قابل نگاشت است؟

۳. چارچوب نظری

۱.۳ معنای سنة

لغت‌شناسان در مورد اصل واژه سنة بر دو قول هستند یا از اصل سنه بوده، سپس پس از حذف لام‌الفعل و انتقال حرکت آن به حرف نون، واژه به صورت «سنة» درآمده است، مثل عبارت «سَنَهَتِ النَّخْلَةَ وَ تَسَنَّهُتِ» به معنای چند سال بر نخل گذشت و بی برگ و بار شد؛ و یا از اصل سنو ناقص است(ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۳/۵۰۱). با توجه به معانی لغوی واژه «سنة»، این واژه از الفاظ مشترک بوده و بر سه وجه معنایی است:

اول: السنة به معنای سال قمری یا سال شمسی(الکھف/۲۵)(۱). از این رو معنای سال را مجموعه‌ای از دوازده ماه آورده‌اند(مرزوقی، ۱۴۱۷ق: ۱۸۳).

دوم: السنة به معنای سال قحطی و سختی(الأعراف/۱۳۰)(۲)؛ زجاج می‌نویسد: «سنین» نزد عرب به مفهوم خشک‌سالی و قحط‌سالی است. وقتی گفته می‌شود: مَسَّتْهُمُ السَّنَةُ: یعنی خشک‌سالی یا سختی آن‌ها را فراگرفت(زجاج، بی‌تا: ۳۸۶/۲). زبیدی، این معنا را از باب مجاز می‌داند(زبیدی، بی‌تا: ۵۴۶/۱۹).

سوم: «سنة» در کاربرد مجازی آن، به معنای زمان یا مجموعه‌ای از ایام و ماه‌ها (یونس/۵) (۳). این معنا در کتب تفسیری از جمله تفسیر الکشاف اثر زمخشری و تفسیر الجامع لأحكام القرآن اثر قرطبی آمده است.

در این میان جوهری تنها معنای اول را ذکر کرده و «سنة» را مترادف «عام»، به معنای کلی سال دانسته است (بی تا: ۱۹۹۳/۵). ابن منظور به معنای اول و دوم اشاره کرده و به نقل از ابن سیده سنة را مترادف «عام» می‌خواند. وی همچنین معنای مطلق و بدون قید واژه را خشک سالی و قحطی عنوان داشته است و متفاوت از دیگران برای آن، معنای «الأزمة» به معنای بحران و سختی را آورده است (۱۴۱۴ق: ۵۰۱/۱۳). فیروزآبادی (۱۴۱۵: ۲۹۹/۴) و راغب اصفهانی (۱۴۱۲ه: ۵۹۸/۱) نیز به این دو معنا اشاره کرده‌اند؛ اما زبیدی ضمن اشاره به معنای سال در مفهوم کلی و معنای سال قحطی و سال سختی، وجه معنایی دقیق «سنة» را به نقل از سهیلی، سال شمسی (۳۶۵ روز) و سال قمری (۳۵۴ روز) برشمرده و می‌نویسد: «سنة، تمام دورة الشمس و تمام دورة القمر؛ یعنی هر دو گاه‌شماری، سال شمسی و قمری را شامل می‌شود (زبیدی، بی تا: ۴۹/۱۹). برخی اصل واژه «سنة» را از ریشه عبری آن «شاناه» به معنای تغییر و تحول دانسته‌اند (مصطفوی، بی تا: ۲۹۲/۵).

۲.۳ معنای عام

لفظ «عام» را از ریشه «عوم» به معنای شنا کردن «عام فی الماء عوماً» و جریان داشتن و حرکت کردن «عام النجوم عوماً» و «عام فی الماء عوماً: سَبَّحَ» و جریان داشتن و حرکت کردن «عامت النجوم عوماً: جرت، وأصل ذلك فی الماء» نیز ذکر کرده‌اند و نیز آن را سالی شامل زمستان و تابستان کامل گفته‌اند (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۶۸/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۴۳۱/۱۲). کلمه «عام» نیز لفظ مشترک بوده و بر سه وجه معنایی آمده است:

اول: «عام» به معنای سال قمری (التوبه/۳۷) (۴).

دوم: «عام» به معنای ترسالی و سال رفاه و آسایش (یوسف/۴۹) (۵).

سوم: «عام» در کاربرد مجازی به معنای زمان (البقره/۲۵۹) (۶).

زبیدی، به نقل از سهیلی، «عام» را کوتاه‌تر از سنة، و بر خلاف سنة، قابل کاربرد برای ماه‌های عربی ذکر کرده است (زبیدی، بی تا: ۵۱۰/۱۷). راغب اصفهانی، «عام» را در معنای سالی توأم با فراوانی نعمت و آسایش آورده است (۱۴۱۲: ۵۹۸/۱). طرفداران «ترادف مطلق» در لغت، میان معنای «عام» و «سنة» تفاوتی قائل نیستند و معنای دو واژه را به معنای سال

دانسته‌اند. ابن سیده عام را همان سنة می‌داند (ابن سیده، بی تا: ۵۷/۹)، البته او فعل «أستوا» را از این ماده دانسته که فقط برای زمان خشک‌سالی استفاده می‌شود (۷) (همان، ۶۹/۹). ابوهلال عسکری ضمن اشاره به تفاوت نحوی این دو واژه، معتقد است، عام همان سنة است و بالعکس (عسکری، ۱۴۰۰: ۲۶۴). علامه طباطبایی از میان مفسران بدون اشاره به تفاوت معنایی دو واژه، می‌نویسد: «سال در عرف قرآن به قمری محاسبه می‌شود که از ماه-های هلالی ترکیب می‌شود و در شریعت اسلام هم همین معتبر است» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۸۳/۱۳).

اما بر اساس مقدمات لغوی، تفاوت معنایی «سنة» و «عام» در موارد پیش رو ملحوظ است؛ زیرا میان تعداد معانی آن دو تناظر یک به یک وجود ندارد؛ بلکه میان آنها هم‌معنایی نسبی برقرار است:

اول:

«واژه «سنة» از نظر گاه‌شماری برای سال شمسی-قمری به کار می‌رود، این در حالی است که «عام» فقط برای سال قمری به کار می‌رود. طریحی نیز با ذکر همین معنا برای سنة، برابری سنة و عام در بین عامه مردم را برداشت خطایی برشمرده و می‌نویسد: «العام أخص من السنة فكل عام سنة و ليس كل سنة عام» (طریحی، بی تا، ۶/۱۲۵). صاحب مصباح منیر نیز همین قول را به نقل از احمد بن یحیی ذکر کرده است (فیومی، بی تا، ج ۲/ص ۴۳۸). دوم: «سنة» اکثراً برای سال قحطی و دوران سختی به کار می‌رود؛ اما بر عکس «عام» برای سال فراوانی نعمت و راحتی و آسایش. آلوسی از میان مفسران به این تفاوت معنایی تأکید کرده است (آلوسی، ۱۴۱۴: ۴۴۵/۶). سهیلی در *الروض «سنة»* را طولانی‌تر از «عام» می‌داند (فیروزآبادی، ۱۴۱۵: ۱۱۹/۴). هم‌آیی دو واژه در آیه ۱۴ سوره التوبه و تفاوت در دو جنبه از وجوه معنایی دو واژه، چنین ابهامی را به وجود آورده است که میان «عام و سنة» هم‌معنایی نسبی برقرار است، نه هم‌معنایی مطلق.

۳.۳ سال در گاه‌شماری

سرزمین‌های بین‌النهرین، مصر و کنعان عرصه ظهور پیامبران الهی قبل از ظهور پیامبر اسلام بودند. چنانچه گذشت، لفظ «سنة» را برگرفته از زبان عبری دانسته‌اند. مبنای آغاز شمارش تقویم عبری (گاه‌شماری قمری)، آفرینش حضرت آدم (علیه‌السلام) بوده است (ابوریحان بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۲۷/۱). گاه‌شماری قمری، حاصل اولین تلاش انسان برای محاسبه زمان

بود. زمان حضرت نوح (علیه السلام) در بین النهرین، شیوه محاسبه زمان، بر اساس ماه‌های قمری بدوی بوده است؛ سپس تقویم بابلی در بین‌النهرین همپای رشد و توسعه تمدن؛ از جمله رواج کشاورزی و توسعه امور تجاری، به استفاده از گاه‌شماری قمری-شمسی و بر دو گونه شرعی و عرفی تغییر ماهیت داد(ن.ک: شحیلات و الیاس حمدانی، ۱۹۷۱: ۳۹۵/۶-۴۰۱)؛ بدین معنا که ماه‌ها مطابق گردش ماه به دور زمین و سال‌های آن طبق حرکت زمین به دور خورشید محاسبه شود؛ اما در مصر باستان، تقویم رایج در ابتدا شمسی بوده است (مکوندی، ۱۳۹۸: ۳، به نقل از Depyute, 1995a; 1995b). گاه‌شماری قمری مصری در آغاز دوره فراعنه وضع گردید، سپس تقویم عبری مصر باستان و کنعان به ویژه بعد از حمله بخت‌النصر به بیت‌المقدس و ادغام فرهنگ یهودیان با فرهنگ بابل، تحت تأثیر تقویم قمری-شمسی بابلی دارای ماه‌های قمری و سال شمسی شد. جابه‌جایی ماه‌های قمری، گاه‌شماری را برای مردمان عادی در زراعت و برای دولتی‌ها در امور تجاری و مالیات-گیری، و برای مذهبی‌ها در برگزاری اعیاد که باید در اول بهار و اول پاییز انجام می‌شد، دشوار ساخته بود؛ لذا در تقویم یهودیان برای تطبیق سال قمری و سال شمسی هر ۲ یا ۳ سال، یک ماه را به ۱۲ ماه اضافه کرده و سال را کیسه اعلام کردند (ابوریحان بیرونی، ۱۴۲۲: ۲۲۷/۱). تقریباً همه تمدن‌های باستانی، به‌ویژه از زمان حضرت موسی (علیه السلام) هر دو تقویم قمری و شمسی را می‌شناختند(ن.ک: شحیلات، ۱۹۷۱: ۳۹۵/۶)، گاه‌شماری قمری در اختیار کاهنان قرار داشت تا زمان انجام فرامین دینی خود را بدانند (صنعتی‌زاده، ۱۳۸۴: ۴۹۳)، از این رو تقویم قمری بر اساس ماه‌های قمری، مختص شرعیات و امور دینی شد و تقویم شمسی بر اساس سال شمسی ویژه امور کشاورزی و مسائل حکومتی. به بیان دیگر، در برهه‌ای از زمان، تمام کشورهای دارای سابقه تاریخی، از تقویم‌های قمری-شمسی معروف به تقویم بابلی استفاده می‌کرده‌اند (قاسملو، ۱۳۷۴: ۳۳۴). عرب جاهلی و عرب صدر اسلام به سال شمسی نیز توجه داشت. در قرآن کریم، به فصل‌های تابستان و زمستان (قریش/۲) اشاره شده است و این نشان می‌دهد که آنها فصول شمسی را می‌شناختند. اعراب دوره جاهلی، جهت تعیین زمان کشاورزی، تجارت و جابه‌جایی از مکانی به مکان دیگر، از تقویم شمسی استفاده کرده‌اند؛ تقسیم‌بندی که با ظهور اسلام از بین نرفت؛ بلکه در کنار تقویم قمری که در اعمال شرعی لحاظ می‌شد، باقی ماند (علی، ۱۴۲۲ه، ۱۶/۷۳ و ۷۴).

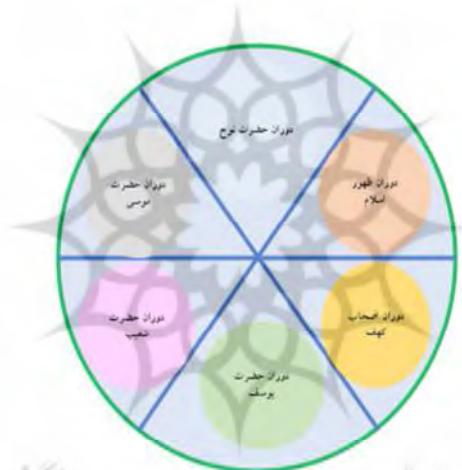
بر این اساس تقویم زمان حضرت نوح، قمری بدوی و تقویم زمان حضرت یوسف و حضرت موسی سپس اصحاب کهف و عزیر نبی (علیهم السلام) و اعراب جاهلی و عرب

تناظر معنایی بین دو زوج واژه عام و سنة در قرآن ... ۸۵

صدر اسلام قمری-شمسی بوده است. تقویم صرفاً قمری فقط در میان مسلمانان بعد از حجه الوداع رسمیت داشت (ابوریحان بیرونی، ۱۴۲۲: ۱/ ۱۲۴).

۴. بررسی آیات شامل واژه‌های «عام» و «سنة»

نسبت کاربرد واژه «سنة» در مقایسه با واژه «عام»، در آیات قرآن، نسبت ۱۹ به ۳ است. با توجه به نقش ادوار تاریخی و موضوع آیات در تعیین وجوه معانی «عام و سنة» سعی شده است، موضوعات در سطح‌بندی عمومی و تاریخی به شکل نمودار ترسیم گردد. نمودار اول، ادوار تاریخی که در آن این دو واژه به کار رفته، را نشان می‌دهد و نمودار دوم نگاشت موضوعات آیات مورد بحث را با گاه‌شماری قمری و شمسی نمایش می‌دهد.



پژوهش‌گاه‌های علمی و پژوهشی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودار اول



نمودار موضوعات کل آیات مربوط به «سنة» و «عام» بر مبنای سطح عمومی

نمودار دوم

۱.۴ آیات شامل واژه سنة

همه آیاتی که در آن «سنة» به کار رفته است، از آن یک یا دو و یا هر سه جنبه از وجوه معنایی لغوی، مستفاد می‌شود. نکته حائز اهمیت این است که آنجا که غرض از آیه، گاه-شماری قمری-شمسی به صورت ترکیبی، مطابق شیوه گاه-شماری عصر باستان یا یکی از این دو تقویم است و یا به نوعی موضوع آیه به شرایط دشوار و سخت زمان پیامبران و عذاب دنیوی و اخروی گنهکاران قوم یهود و مشرکان عصر اسلام اشاره دارد، از واژه «سنة» استفاده شده است. طبقه‌بندی موضوعی آیاتی که در آن واژه «سنة» به کار رفته است، در نمودار زیر منعکس شده است:

پرتال جامع علوم انسانی



◆ نمودار موقعیت‌های کلی آیات مربوط به «سنة» بر مبنای سطح تخصص

۱.۱.۴ کاربرد «سنة» در سه وجه معنایی «زمان»، «گاه‌شماری» و «سال سختی»

گاهی در یک آیه واژه «سنة»، در هر سه وجه معنایی زمان، گاه‌شماری و سال سختی دلالت می‌کند.

- سوره الحج، آیه ۴۷

(وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ)

واژه «سنة» در عبارت «إِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ»، یا در معنای حقیقی به کار رفته؛ یعنی یک روز اخروی نزد خدا برابر هزار سال از سال‌های دنیاست و یا از آنجا که برای انسان روزهای سختی، طولانی به نظر می‌رسد، «سنة» از باب مجاز به معنای زمان است، به این معنا که یک روز از عذاب و سختی قیامت، بسیار طولانی است و یا در وجه معنای سختی زندگی دنیایی و اخروی مستعمل است. نکته قابل توجه دیگر، عبارت شریفه (مِمَّا تَعُدُّونَ) است؛ مخاطب اولیه این آیات، مردم شبه‌جزیره بوده‌اند و ملاک تشخیص معنای این عبارت، مدت یک سال از نظر مردم زمان بعثت است. قحطانیان یا همان عرب جنوب شبه جزیره عربستان قبل از اسلام تا سال‌های آخر عمر شریف ایشان از نظام گاه-شماری قمری-شمسی یهودیان استفاده می‌کردند.

- سوره البقره، آیه ۹۶

(وَلْتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرْضَخٍ مِنْ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ)

نسبت به سبب کاربرد «الف سنة»، در آیه سه احتمال دارد؛ اول: «سنة»، کنایه از زمان طولانی است؛ زیرا به حسب وضع لغت عدد هزار، آخرین مرتبه عدد است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۳۴/۲)، یعنی قوم یهود نهایت طول عمری را که برای انسان در دنیا قابل تصور است، آرزو می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۹۹/۱). دوم: بر اساس بافت آیه، سنة در وجه معنایی (گاه شماری شمسی-قمری)، مطابق تقویم بابلی رایج میان یهودیان آن زمان به کار رفته است. چون در آن نسل فرض عمر هزار ساله محال بوده است؛ لذا آنها آرزوی امری محال را داشتند. زجاج عبارت «لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ» را اشاره به یکی از اصطلاحات رایج مجوس و غیر عرب در آن روزگاران می‌داند که آنها در هنگام تحیت گفتن به پادشاهان روم و ایران می‌گفتند: «عِشْ أَلْفَ سَنَةٍ وَ أَلْفَ نَوْرُوزٍ (۸)»؛ هزار سال، هزار نوروز، هزار مهرجان زنده باشی (زجاج، بی تا: ۱۷۸/۱). سوم: کاربرد سنة در معنای سختی و مشقت. نکره بودن «حیاء» در آیه نیر به تن دادن به هر نوع زندگی تحقیرآمیزی دلالت می‌کند. در ادامه آیه می‌فرماید: «مَا هُمْ بِمُرْضَخٍ مِنْ الْعَذَابِ»، بنی اسرائیل نهایت به عذاب الهی گرفتار خواهند شد (بقاعی، ۱۴۳۷: ۶۰۰/۱).

- سورة المعارج، آیه ۴

(تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ)

زمخشری هر سه معنای مجازی (زمان) و حقیقی (گاه شماری) و لفظی (سختی) را برای «سنة» مفروض دانسته است: «يَقَعُ فِي يَوْمٍ طَوِيلٍ مِقْدَارُهُ خَمْسُونَ أَلْفَ سَنَةٍ مِنْ سِنِيكُمْ، وَهُوَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ: إِمَّا أَنْ يَكُونَ اسْتِطَالَةً لَهُ لَشِدَّتِهِ عَلَى الْكُفَّارِ، وَإِمَّا لِأَنَّهُ عَلَى الْحَقِيقَةِ كَذَلِكَ» (زمخشری، ۱۴۰۷: ۶۰۹/۴)، بر این اساس یا حقیقتاً روز قیامت ۵۰ هزار سال به طول می‌انجامد و یا به جهت سختی آن روز، طولانی به نظر می‌رسد. عرب، زمان‌های سختی و اندوه را طولانی و زمان‌های آسایش و فرح را به کوتاهی توصیف می‌کند. به قولی نیز «الف سنة» کنایه از کثرت است.

- سورة الشعراء، آیه ۲۰۵-۲۰۶

(أَفِعْذَابِنَا يُسْتَعْجَلُونَ، أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ، ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ)

مقصود از «سنین» در آیه یا به معنای مدت عمر مشرکان و یا مدت عمر دنیا و یا سال‌های طولانی است. در هر کدام از این معانی فرض شود، کاربرد «سنة» در آیه در مدلول

گاه‌شماری است و تفاوت میان سال شمسی و قمری ندارد. فعل «أفرأیت» در معنای تعجب از حال مشرکان و مترتب بر مفهوم استهزاء و استعجال است. برخی مصدر «تمتیع» را به معنای مهلت دادن دانسته‌اند و برخی دیگر به مفهوم بهره‌مندی از نعمت‌های دنیایی؛ اما وجود قرینه‌های «عذابنا» و «یوعدون» در آیات قبل و بعد حاکی از آن است که نعمات دنیوی نه تنها موجبات آسایش و آرامش مشرکان را فراهم نمی‌سازد، بلکه عذاب بیشتری را برای آنان در پی خواهد داشت (طبرسی، ۱۳۷۲: ۳۲۱/۷)؛ این سال‌ها در حقیقت برای کافران، آستن رنج و سختی بوده و آن‌قدر به سرعت سپری می‌شود که گویی اصلاً چیزی نبوده است (قطب، ۱۴۲۵: ۲۶۱۸/۵)؛ لذا کاربرد کلمه «سنین» در آیه به معنای سختی، با توجه به قرینه‌های لفظی و معنایی، توجیه می‌شود.

۲.۱.۴ کاربرد «سنه» در دو وجه معنایی «زمان» و «گاه‌شماری»

بخش پیش رو به آیاتی اشاره دارد که مفسران استعمال واژه «سنه» در معنایی مجازی (زمان) و حقیقی (گاه‌شماری) را در یک بافت محتمل می‌دانند.

- سوره السجده، آیه ۵

(يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ)

منظور از عروج امر یعنی، خداوند تدبیر امور را در ظرفی انجام می‌دهد که با مقدار حرکت و حوادث زمینی مطابق باشد. مقصود از «ألف سنه» یکی از مواقف روز قیامت است و مقدار آن پنجاه هزار سال (المعارج/۴) است. ممکن است، مراد از «عروج» یکی از ۵۰ موقف از مواقف روز قیامت بوده و هر موقف هزار سال دنیوی باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۷۱/۱۶). ابن عاشور کاربرد «سنه» را در این آیه، در معنای مجازی یعنی زمان می‌داند و می‌نویسد: «ألف» نزد عرب نهایت اعداد است و مازاد بر این عدد را با عدد هزار می‌سنجند (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۱۴۸/۲۱). اگر مخاطب آیه را مانند دیگر آیاتی که مخاطب آن عرب عصر نزول است در نظر بگیریم، مطابق وضع لغوی، وجه معنایی گاه‌شماری شمسی - قمری بر «سنه» مترتب است.

- سوره الروم، آیه ۴-۳

(وَهُمْ مِنْ بَعْدِ غَلَبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ، فِي بَضْعِ سِنِينَ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ

الْمُؤْمِنُونَ)

واژه «بضع» شامل عدد سه تا نه می‌شود؛ لذا «بضع سنین» می‌تواند بر زمان اندک اشاره کند. واژه «غلبهم» اشاره به شکست امپراطوری روم در جنگ با ایران در زمان پادشاهی خسرو پرویز در سرزمین شام و فلسطین دارد. نکته مستتر در آیه پیشگویی از آینده و تحقق وعده الهی برای پیروزی مسیحی‌ها بر مجوس در زمان تعیین شده است (قطب، ۱۴۲۵: ۷/۵). تقویم روم باستان در امور جاریه زندگی بر اساس سال شمسی بوده (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۵۱/۱۵) و کاربرد «سنه» نیز این موضوع را تأیید می‌کند.

- سوره کهف، آیه ۱۱

(فَضْرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا)

- سوره کهف، آیه ۲۵

(وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا)

دوران تاریخی اصحاب کهف به بعد از ظهور حضرت عیسی (ع) برمی‌گردد. گاه- شماری مسیحیان از قبل ظهور مسیح شمسی قمری بوده است. کاربرد لفظ «سنین» یا جایز است، مطابق تقویم عرب و اسلام، قمری یا مطابق تقویم سرزمین روم و اهل کتاب، شمسی باشد (همان). بنا بر قولی مدت زمان خواب اصحاب کهف به حساب اهل کتاب، سیصد سال شمسی بوده و به حساب عرب‌ها سیصد و نه سال قمری است؛ لذا «إزدادوا تسعاً» اشاره به تفاوت سال شمسی و قمری دارد (آلوسی، ۱۴۱۵: ۸/ ۲۳۹). امام علی (علیه السلام) درباره مدت ماندن اصحاب کهف، سیصد سال را بر اساس سال‌های شمسی دانسته‌اند و سیصد و نه را بر اساس سال‌های قمری (ن.ک: مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۵۲/۵۵). البته محتمل است «سنین عددًا» برای بیان معنای کثرت و کنایه از سال‌های طولانی باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۲۶/۱۵).

۳.۱.۴ کاربرد «سنه» در دو وجه «گاه‌شماری» و «سال‌های سختی»

- سوره المؤمنون، آیه ۱۱۱۲-۱۱۱۳

(قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ، قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمِ فَاسَأَلِ الْعَادِينَ)

عبارت «فاسأل العادین»، دلالتی است بر شرایط سخت و دردناک عذاب الهی که کافران از شدت عذاب آخرت، توان تصور هیچ چیزی را از زمان حال و گذشته ندارند (بقاعی، ۱۴۳۷: ۲۲۶/۵). برخی منظور از زمان درنگ در زمین را، مدت درنگ در قبور می‌دانند و قول مدت ماندن در دنیا یا برزخ را رد می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۷۳/۱۵). به

اعتبار این معنا، معنای شدت و سختی بیش از پیش تقویت شده و کاربرد واژه «سنة» در آیه بر مدلول سختی مشخص تر می‌شود. آنقدر شرایط در آخرت برای کافران سخت و دشوار است که نسبت به زمان فارغ شده‌اند. با توجه به این که خطاب آیات مشرکان و کافران عصر نزول قرآن هستند، معنای گاه‌شماری قمری مورد نظر است. و اطلاق واژه «سنة» بر هر دو گاه‌شماری قمری و شمسی با معنای لغوی مطابقت دارد.

- سوره الشعراء، آیه ۱۸

(قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ)

در همه آیاتی که درباره حضرت موسی (ع) آمده، از کلمه «سینین» استفاده شده است. در نگاه اول کاربرد معنای گاه‌شماری شمسی قمری با تقویم قوم باستان یهود کاملاً منطبق است. حضرت موسی (علیه السلام) پس از تولد به خواست خدا، چندین سال را در کاخ فرعون سپری کرد. واژه «سینین» بنا به نقل ابن عباس ۱۸ سال، به قول مقاتل ۳۰ سال، و به روایت کلبی ۴۰ سال است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۹۲/۷). وقتی حضرت موسی (علیه السلام) رسالت خود را علنی کرد، فرعون به ایشان به سبب اینکه یکی از قبطی‌ها را به قتل رسانده بود، گفت: «أنت من الكافرين» (الشعراء/۱۹)؛ تو نسبت به نعمت‌های من و حق سرپرستی ناسپاسی کردی. حضرت موسی (علیه السلام) سرپرستی فرعون را نعمت نمی‌خواند و با بیان «وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا عَلَيَّ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ» روشن ساخت که حقیقت انعام فرعون به بردگی کشیدن بنی اسرائیل و قتل فرزندان‌شان بوده است (طبرسی، ۱۴۱۲: ۱۵۳/۳ و ۱۵۴). چرا که اگر فرعون اقدام به نسل کشی نمی‌کرد، حضرت در آغوش خانواده و تحت تربیت ایشان بود (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۴۹۷/۲۴). حضرت موسی از رنج بنی اسرائیل متألم بود و رنج می‌کشید؛ به این واسطه می‌توان کاربرد واژه «سنة» را بنا شرایط زندگی آمیخته با رنج و سختی حضرت موسی (علیه السلام) و قوم بنی اسرائیل مفروض دانست.

- سوره الأحقاف، آیه ۱۵

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي دَرْبِي إِنَّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ)

با توجه به مضمون عام و تربیتی آیه، می‌تواند مبنای گاه‌شماری، هر دو تقویم قمری-شمسی قرار گیرد؛ اما اگر خطاب آیه را عرب شبه جزیره در نظر بگیریم، جایز است «سنة» بر سال قمری اطلاق شود، هر دو تصور، با وضع لغوی «سنة» مغایرتی ندارد. بلوغ جسمی

و عقلی انسان در ۴۰ سالگی به پایان می‌رسد. اکثر مفسران «أربعین سنه» را کمال بلوغ انسان می‌دانند. در این آیه شریفه به بلوغ عقلی انسان اشاره شده است؛ زیرا «أربعین» عدد کمال است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۰۱/۶۸). «سنه» در آیه در وجه معنایی سال شمسی یا قمری و همچنین معنای مشقت و سختی در تناسب است. می‌توان گفت، در آیه فوق، تخصیص این مدت زمان از عمر انسان به احسان به والدین و انجام اعمال صالح، اشارتی است به کمیت و کیفیت تکالیف انسان و انسان برای رسیدن به کمال باید از این سختی‌ها عبور کند.

- سوره العنکبوت، آیه ۱۴

(وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ)

این آیه شریفه یک نقطه عطف در بین آیات شامل کلمات عام و سنه به‌شمار می‌رود مدت زمان دعوت حضرت نوح (ع) به یکتاپرستی بنا بر؛ زیرا هر دو کلمه در کنار آمده است. وجه معنایی حقیقی کلمه «سنه» ۹۵۰ هزار سال بوده است. تقویم زمان نوح (علیه السلام)، قمری بدوی بوده است. به نظر می‌رسد، در این آیه با توجه به هم‌آیی دو واژه «سنه و عام»، تفاوتی بین آن دو در کاربرد معنایی از نظر گاه‌شماری نیست و هر دو به سال قمری اطلاق می‌شود. بر این اساس به طور دقیق نظر کسانی مانند سهیلی که آورده اند، «سنه» فقط به سال شمسی دلالت دارد، خطا است. بلکه «سنه» اعم از «عام» بوده و بر هر دو نوع گاه‌شماری شمسی یا قمری یا ترکیبی شمسی-قمری اطلاق می‌شود. اگر کسی بگوید عدد «ألف سنه إلا خمسين عاماً» از باب مجاز به معنای مدت زمان طولانی است، رأیی ناصواب است.

چنانچه «سنه» را به معنای شدت و سختی، و «عام» را به معنای آسایش و آسانی تعمیم دهیم، می‌توان گفت، حضرت نوح (ع) از میان ۱۰۰۰ سال، ۹۵۰ سال را در سختی و مشقت هدایت مردمان ناباور و ۵۰ سال را در میان مؤمنان زیسته است و این مدت زمان جزء آن سختی‌ها نبوده است. بقاعی نیز به همین معنا اشاره کرده است. (ن.ک: بقاعی: ۱۴۳۷: ۵/۵۴۲)، انتخاب لفظ «سنه» به جهت تناسب مدلول لفظ مشارالیه با سختی رسالت نبوت حضوت نوح کاملاً قابل نگاشت است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۰/۳۴۷)؛ اما زمخشری تفاوت کاربرد این دو واژه را صرفاً اجتناب از تکرار قبیح دانسته است (زمخشری، ۱۴۰۷: ۳/۴۴۵-۴۴۶).

همان‌طور که پیشتر گفتیم «سنة» اعم از «عام» است و از سوی دیگر، بنابر اصلی نحوی، مستثنی منه باید عام و مستثنی جزء آن باشد. با توجه به این دو نکته لغوی و نحوی در این آیه شریفه، علاوه بر موضوعات لغوی، موضوعات نحوی نیز اطلاق «سنة» بر سال شمسی یا قمری یا سال ترکیبی و استعمال «عام» تنها برای سال قمری را تأیید می‌کند.

- سوره یوسف، آیه ۴۲

(وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ فَأَنسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ)

خداوند در این آیه از مدت ادامه یافتن دوره زندانی حضرت یوسف (ع) بر اثر یک غفلت، به «سنین» تعبیر کرده است. «بضع سنین» از نظر لغویان عرب برای مدت سه تا نه سال به کار می‌رود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۵۵/۱۶). مفهوم و سیاق آیه بر معنای سال‌های رنج و سختی برای «سنة» منطبق است، همچنین جایز است، واژه «سنین» مطابق با نظام گاه شماری مصری‌ها در عصر حضرت یوسف، سال قمری-شمسی در نظر گرفته شود.

- سوره الأعراف، آیه ۱۳۰

(وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ)

مراد از «السنین» سال‌های قحطی بر اساس گاه‌شماری شمسی-قمری است، سال‌هایی سخت و پر از انواع عذاب‌های سخت طبیعی. کلمه «سنین» در مجاورت فعل «أخذ» در این آیه مشخصاً بر خشک‌سالی، و در نتیجه بر گرفتاری و رنج ناشی از آن دلالت دارد. ابن-عاشور معنای خشک‌سالی را نه از همنشینی أخذ و سنین، بلکه از معرفه بودن سنین و استناد به لغت عرب در این موضع، استنباط می‌کند. او مجازی بودن «سنین» را در معنای زمان طولانی رد می‌کند.

«وَأَلَيْسَ قَوْلُهُ تَعَالَى بِالسِّنِينَ دَلِيلًا عَلَى أَنَّهَا طَالَتْ أَعْوَامًا لِأَنَّ السِّنِينَ هُنَا جُمِعَ سَنَةٌ بِمَعْنَى الْجَدْبِ لَا بِمَعْنَى الزَّمَنِ الْمُقَدَّرِ مِنَ الدَّهْرِ. فَالسَّنَةُ فِي كَلَامِ الْعَرَبِ إِذَا عُرِّفَتْ بِاللَّامِ يُرَادُ بِهَا سَنَةٌ الْجَدْبِ، وَالْقَحْطِ، وَهِيَ حِينٌ يَدْعَى عِلْمٌ جِنْسٍ بِالْغَلْبَةِ» (ابن عاشور، ۱۴۲۰، ۲۴۸/۸).

- سوره المائدة، آیه ۲۶

(قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ، أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ)

مرجع ضمیر «ها» در آیه، شهر بیت المقدس است و «التیه» به معنای سرگردانی است. خداوند به خاطر عصیان‌گری فاسقان قوم موسی، ورود آنها را به سرزمین بیت المقدس حرام کرد؛ البته حرمت از نوع تکوینی است نه تشریحی. مدت زمان این سرگردانی و

آوارگی چهل سال ذکر شده است. برخی مفسران، راز محدود شدن حکم الهی به «أربعین سنة» را در چهل روز گوساله پرستی بنی اسرائیل ذکر کرده اند. بدین قرار که خداوند آنها را به ازای هر یک روز، یک سال مجازات کرده است (ن.ک: قرطبی، ۱۳۶۴: ۶/ ۱۲۹). هر دو وجه معنایی برای «سنة» در آیه، سال شمسی قمری معادل تقویم یهود عصر حضرت موسی (ع) و سال توأم با مشقت و سختی صحیح است.

- سوره طه، آیه ۴۰

(وَقَتَلْتَ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَيَّ قَدَرًا يَا مُوسَى)

حضرت موسی (ع) سال‌های رشد و بالندگی خود را برای نیل به ویژگی‌های یک پیامبر الهی در مدین و در همراهی با شعیب نبی (ع) گذراند. نظام محاسبه ماه و سال در عصر حضرت شعیب نیز قمری-شمسی بوده است. از آنجا که این مدت، منشأ تحول در وجود آن حضرت بوده است. حضرت موسی در این سال‌ها فتنه‌ها و ابتلائات زیادی را متحمل شد؛ از این رو کاربرد واژه سنة در آیه، با معنای سختی نیز هماهنگ است. علامه نیز به ابتلائات حضرت موسی در مسیر رشد و بالندگی چنین اشاره می‌کند:

زمانی که تو یکی از قبطیان را به اشتباه با مشتی به قتل رساندی و از بیم گرفتاری از مصر فرار کردی و به مدین رفتی و ما تو را با ابتلاء به خوف و فرار از قصاص و غربت و دوری از خانواده و وطن آزمودیم و این فتنه‌ها جهت خالص کردن تو بود. همانطور که طلا به وسیله آتش خالص می‌شود، پس وقوع این فتنه‌ها متسی از جانب خدا بود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۴/۱۵۱ و ۱۵۲).

معنای مجازی کلمه (زمان)، با توجه بافت تاریخی آیه، صحیح نیست.

۴.۱.۴ کاربرد «سنة» در وجه معنایی «گاه‌شماری»

قسم دیگری از آیات هستند که واژه «سنة» در آنها فقط در معنای گاه‌شماری استعمال شده است.

- سوره الأحقاف، آیه ۱۲

(وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّبُتُّغُوا فَضَلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلًا)

خداوند در این آیه شریفه، گذر شب و روز را پایه گاه‌شماری ذکر کرده است. «لَتَعْلَمُوا» متعلق به دو فعل «مَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ» است. عبارت «عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ» به دانش گاه‌شماری و محاسبه سال که امری مفید و ضروری برای اقامه امور دینی و امور زندگی است، اشاره دارد. اعمال روزمره بشر یا بر اساس سال شمسی و یا سال قمری انجام می‌شود (آلوسی، ۱۴۱۵: ۲۹/۸). واژه «سنة» بر هر دو شیوه و نظام محاسبه سال شمسی، قمری و ترکیبی دلالت می‌کند.

- سوره یونس، آیه ۵

(هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)

این آیه نیز به موضوع زمان در دنیا و ابزاری که خداوند برای محاسبه زمان در اختیار بشر قرار داده، پرداخته است. بر اساس قواعد نحوی، جایز است، مرجع ضمیر مفرد در «قَدَرْنَاهُ» به دو واژه «شمس و قمر» هر دو باز گردد، مانند آیه ۶۲ سوره التوبه که می‌فرماید: «وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ» (ثعالبی، ۱۴۱۸: ۲۳۶/۳)، به این معنا که خورشید و ماه هر کدام از ۱۲ منزلگاه و برج مخصوص به خود عبور می‌کنند (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۴/۴). از آنجا که در این آیه، هم به خورشید اشاره شده است و هم به ماه تصریح شده؛ لذا واژه «سنة» به عنوان لفظی عام برای معنای سال به کار رفته و صحیح است بگوییم، غرض از «سنة» هم سال شمسی است، و هم سال قمری؛ اما دو وجه معنایی دیگر؛ زمان و سال سختی متصور نیست.

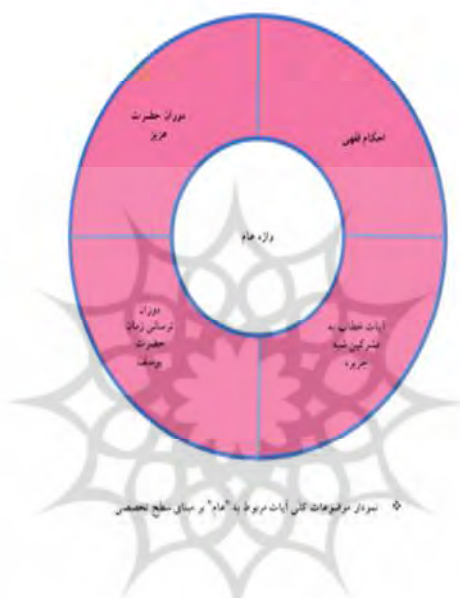
- سوره یوسف، آیه ۴۷

(قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ)

نظر به این که این هفت سال زراعت، سال‌های ترسالی‌اند، می‌توان گفت، کلمه «سنین»، در این آیه شریفه فقط به دوره‌ای زمانی اشاره می‌کند. از آنجا که در دوره تاریخی حضرت یوسف (علیه السلام) فصول و گاه‌شماری شمسی را برای امور کشاورزی ملاک قرار می‌داده‌اند، می‌توان کاربرد «سنین» در این آیه در معنای گاه‌شماری شمسی دانست.

۲.۴ آیات شامل واژه عام

چنانچه در نمودار پیش رو مشاهده می‌شود، در آیاتی که خطاب آن به مشرکان عصر نزول بوده و یا در آن به احکام اسلامی اشاره شده، همچنین آیاتی که در آن دوران ترسالی زمان حضرت یوسف (علیه السلام) و دوران فراوانی نعمت در زمان بعد از خواب حضرت عزیر مطرح است، واژه «عام» استفاده شده است.



۱.۲.۴ کاربرد «عام» در دو وجه معنایی «زمان» و «ترسالی»

استعمال معنای مجازی (زمان) و معنای حقیقی (ترسالی) تنها در آیه ۲۵۹ سوره البقره إحصاء گردید.

- سوره البقره، آیه ۲۵۹

(أَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَتَسَنَّهْ)

دوران زندگی عزیر (علیه السلام)، حد فاصل حضرت سلیمان (علیه السلام) تا ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) قرار داشته است. در مورد آن حضرت دو بار از کلمه «عام» استفاده شده است. موضوع از دو منظر مورد توجه است: اول: «عام» در این ترکیب برای مفهوم کلی زمان، به صورت مجاز به کار رفته است. دوم: عام در معنای ترسالی و سال رفاه است.

وجود میوه‌های فصل مانند انجیر و انگور و نوشیدنی در کنار جسد ایشان حکایت از ترسالی دارد. در برخی از تفاسیر آمده است، هنگام ورود عزیر نبی به سرزمین بیت المقدس، درختان مملو از میوه بودند (آلوسی، ۱۴۱۵: ج ۱/۴۱۳) و هنگامی که روح به بدن ایشان بازگشت نیز آن سرزمین یکپارچه آباد شده بود. در برخی تفاسیر آمده است، هنگامی که روح به بدن او بازگشت آن سرزمین یکپارچه آباد شده بود. پس از گذشت ۷۰ سال از مرگ عزیر نبی در ۳۰ سال آخر، یکی از پادشاهان امپراطوری ایران، بیت المقدس را باشکوه‌تر از قبل احیاء می‌کند (ایچی، ۱۴۲۴: ۱۹/۳)؛ لذا تکرار لفظ «عام» در آیه در معنای سال آسایش و رفاه متصور است. از سوی دیگر ممکن است، غرض درامان‌ماندن عزیر نبی از حوادث تاریخ آن روز بوده است.

۲.۲.۴ کاربرد «عام» در وجه معنایی «رفاه و ترسالی»

واژه «عام» در قرآن در معنای رفاه و ترسالی، تنها در آیه شاهد مثال به کار رفته است.

- سوره یوسف، آیه ۴۹

(ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْصُرُونَ)

عبارت «ثم يأتي من بعد ذلك عام» در آیه، بشارتی است برای روی آوری آسایش و فراخی زندگی بعد سختی و مشقت (ابن عاشور، ۱۴۲۰: ۷۴/۱۲). فعل «يُغَاثُ» یا از ماده «غوث» است و یا از اصل «غیث». اگر از اصل «غوث» باشد، یعنی مردم در آن چند سال از ناحیه خدا یاری می‌شوند و نعمت و برکت بر ایشان نازل می‌شود و اگر از ماده «غیث» باشد، معنایش این می‌شود که در آن سال‌ها باران می‌آید و قحطی بر طرف می‌شود. معنای دوم با توجه به قرینه «يعصرون» مناسب‌تر است.

۳.۲.۴ کاربرد «عام» در وجه معنایی «گاه‌شماری قمری»

بیشترین نسبت استعمال و کاربرد واژه «عام» در بافت قرآن مربوط به معنای گاه‌شماری قمری است.

- سوره التوبه، آیه ۳۷

(إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحْلُونَهُ عَامًا وَيَحْرَمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِّئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحْلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ)

کاربرد (عام) در این آیه شریفه مطابق وضع لغت، گاه‌شماری قمری است. آیه ۳۶ سوره التوبه، بر موضوع تعیین نظام سال‌شماری قمری دلالت دارد. اعراب جاهلی به تقلید از یهودیان، برای کیسه گرفتن، ماه‌های قمری را جابه‌جا می‌کردند. یهودیان برای استفاده از مزایای تقویم شمسی قمری، ماه را قمری و سال را شمسی محاسبه می‌کردند. ضمیر در «يَحْلُونَ و يَحْرَمُونَ» به ماه‌های حرام از سال قمری در آیه قبل برمی‌گردد.

جابه‌جایی ماه‌های حرام در میان عرب جاهلی به‌طور بارز وجود داشت. آنان بنا بر قولی برای اینکه زمان حج در ماه‌های خیلی گرم یا سرد قرار نگیرد و بنا بر قولی دیگر برای اینکه حرمت جنگ در ماه‌های حرام برداشته شود، و از نظر اقتصادی با مشکل مواجه نشوند، همانند یهودیان ماه‌های قمری را تبدیل به سال شمسی می‌کردند و این شیوه محاسبه «نسیء»؛ یعنی تأخیر انداختن اعمال از زمان مقرر است. گاهی عدد ماه‌های سال را سیزده ماه و سال را کیسه قرار می‌دادند تا وقت زیاد داشته باشند؛ به این سبب خداوند در آیه ۳۶ تأکید می‌کند: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا (طبرسی، ۱۴۱۲: ۵۳/۲)».

- سوره التوبه، آیه ۲۸

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا)

حرمت ورود مشرکان به مسجدالحرام موضوع این آیه شریفه است. در تعیین حد زمانی این حرمت، از لفظ «عام» استفاده شده است. مشرکان تا زمان نزول این فرمان الهی، در آسودگی به مسجدالحرام تردد می‌کردند؛ اما پس از آنکه عناد آنان آشکار شد، شرایط تغییر یافت. به عبارت دیگر، سال نزول این آیه شریفه، آخرین سال آزادی تردد مشرکان به مسجدالحرام است. از سوی دیگر، حج از فرایض دینی است، که با توجه به گاه‌شماری قمری محاسبه و تعیین شوند. تعبیر «بعد عامهم هذا» به‌طور معین، مربوط به سال نهم هجری قمری است، سالی که علی بن ابی طالب (علیه السلام) سوره «البراءة» را به مکه برد (طباطبایی، ۱۳۹۰: 229/9).

- سوره لقمان، آیه ۱۴

(وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَمَامٍ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَىٰ الْمَصِيرِ)

قرآن کریم در این آیه شریفه در اشاره به مدت زمان شیردهی فرزند توسط مادر، کلمه «عام» را به کار برده است. چنانچه این توصیه قرآنی و الهی را یک امر شرعی در نظر بگیریم، باید این مدت را با گاه‌شماری قمری محاسبه کنیم.

- سوره التوبه، آیه ۱۲۶

(أُولَٰئِكَ يَرْوَنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ)

خطاب آیه به طور خاص منافقان شبه جزیره عربستان در دوره اسلامی است؛ لذا کاربرد واژه «عام» بر معنای گاهشماری قمری توجیه‌پذیر است.

۵. نتیجه‌گیری

۱. واژه «عام و سنة» از واژه‌های نظایر و قریب‌المعنا بوده؛ اما متناظر نیستند. از این رو یک رابطه هم معنایی نسبی بین این دو واژه برقرار می‌شود.
۲. واژه «سنة» فی ذاته در کاربرد لغوی و قرآنی آن در سه وجه معنایی اول؛ گاه شماری (قمری - شمسی)، دوم؛ معنای خشکسالی و سال‌های سخت و سوم؛ معنای مجازی زمان به کار رفته است، همچنین «عام» نیز در سه وجه معنایی؛ گاه شماری قمری، معنای ترسالی و سال‌های فراوانی استعمال شده است.
۳. وجه اشتراک دو واژه مورد پژوهش، در اطلاق هر دو واژه بر گاه‌شماری قمری و همچنین در کاربرد معنای مجازی آن در مفهوم زمان بوده است.
۴. تفاوت معنایی «سنة» و «عام» در قرآن در دو وجه است: اول؛ از نظر گاه شماری، «سنة» اعم از «عام» بوده و بر تقویم قمری یا شمسی یا ترکیبی اطلاق می‌شود؛ اما «عام» فقط بر تقویم قمری قابل نگاشت است. دوم؛ «سنة» برای سالی که در آن قحطی و حوادث سخت رخ داده، به کار می‌رود؛ اما «عام» برای ترسالی و سالی که فراوانی نعمت و آسایش است، استعمال شده است.
۵. واژه «سنة» و «عام» مطابق با گاهشماری ادوار تاریخی اقوام باستان و پیامبران مورد بحث در آیات مطابقت دارد. در آیاتی که در آنها به شیوه‌های گاه‌شماری و مقایسه زمان اخروی-دنیوی و تکامل جسمی و عقلی اشاره شده و آیاتی که درباره گاه‌شماری حضرت موسی و قوم یهود، حضرت شعیب، اصحاب کهف، جنگ‌های امپراطوری روم و ایران توصیف شده است، به جهت اینکه شیوه محاسباتی این دوره‌ها قمری-شمسی و یا شمسی بوده است، از واژه «سنة» استفاده شده است. در آیاتی که در آنها احکام اسلامی، خطاب به مسلمانان آمده و یا مشرکان شبه جزیره عربستان مخاطب آنها بودند، از کلمه «عام» در معنای گاه شماری قمری به کار رفته است.

۶. در آیاتی که معنای قحط‌سالی و مشقت مورد نظر بوده است؛ نظیر ۷ سال قحطی زمان حضرت یوسف، ۹۵۰ سال مشقت دوران پیامبری حضرت نوح (ع)، از واژه «سنة» و آیاتی که معنای ترسالی و رفاه و آسودگی از آن مستفاد شده؛ نظیر ۷ سال وفور نعمت زمان حضرت یوسف، ۱۰۰ آبادانی بعد از خواب حضرت عزیز و دوری از مصائب پیش آمده برای بنی‌اسرائیل، ۵۰ سال فراغت حضرت نوح از رسالت سنگین نبوت، واژه «عام» استعمال شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. وَلَبِئُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا.
۲. وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقَصْنَا مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذْكُرُونَ
۳. هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ...
۴. إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضِلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُحَلِّوْنَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِّئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ فَيَحْلُوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ...
۵. ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ يَعْرِضُونَ.
۶. أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى يُحْيِي هَذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ بَعَثَهُ ...
۷. «أستنوا» لا يُستعمل إلا في خلاف الخصب».
۸. نیروز در زبان قبطی ها و نوروز در زبان عجم (روح المعانی، ج ۶، ص ۲۷۳).

کتاب‌نامه

قرآن کریم

- آلوسی، محمود بن عبد الله (۱۴۱۵هـ): روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیة.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰هـ): تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، چاپ اول، مؤسسه تاریخ العرب.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴هـ): لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- أزهري، محمد بن حسين (۱۴۲۱هـ): تهذيب اللغة، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
- ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰هـ): البحر المحيط فی التفسیر، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد (۱۳۵۲ش): آثار الباقیه، ترجمه‌ی اکبر دانا سرشت، تهران، ابن سینا.
- محمد بن احمد (۱۴۲۲هـ): القانون المسعودی، بیروت، دار الکتب العلمیة.

تناظر معنایی بین دو زوج واژه عام و سنه در قرآن ... ۱۰۱

ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸هـ): روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، آستان قدس رضوی.

ایچی، محمد عبد الرحمن (۱۴۲۴هـ): جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول. ینت الشاطی، عایشه (۱۳۷۶ش): اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول.

بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۳۷هـ): نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور، بیروت، دار الکتب العلمیه. پالم، فرانک (۱۳۸۷ش): نگاهی تازه به معنانشناسی، ترجمه کوروش صفوی، تهران، نشر مرکز. ثعالی، عبد الرحمن بن محمد (۱۴۱۸هـ): تفسیر الثعالی، بیروت، دار إحياء التراث العربی. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲هـ): مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دار القلم. زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (بی تا): تاج العروس، بیروت، دار الفکر. زجاج، ابراهیم بن سری (بی تا): معانی القرآن و اعرابه، بیروت، عالم الکتب. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷هـ): تفسیر الکشاف، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم. شحیلات، علی و عبدالعزیز الیاس حمدانی (۱۹۷۱م): مختصر تاریخ العراق القديم، بیروت، دار الکتب العلمیه.

صنعتی زاده، همایون (۱۳۸۴ش): علم در ایران و شرق باستان، ایران، انتشارات قطره. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰ش): المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲هـ): تفسیر جوامع الجامع، ایران-قم، نشر حوزه علمیه قم، چاپ اول. ----- (۱۳۷۲ش): مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ایران، ناصر خسرو، چاپ سوم. طریحی، فخرالدین بن محمد (بی تا): مجمع البحرین، تهران، نشر مرتضوی. عبدالتواب، رمضان (۱۳۶۷): مباحثی در فقه اللغه و زبان شناسی عربی، ترجمه حمید رضا بخشی، تهران، آستان قدس رضوی.

عسکری، حسن بن عبدالله (۱۴۰۰هـ): الفروق فی اللغه، بیروت، دار آفاق الجدیده. علی، جواد (۱۴۲۲هـ): المفصل فی تاریخ العرب قبل الإسلام، بیروت، دار الساقی، چاپ چهارم. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰هـ): التفسیر الکبیر، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم. فراهیدی، خلیل احمد (۱۴۰۹هـ): کتاب العین، ایران-قم، نشر هجرت. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۵هـ): القاموس المحیط، بیروت، دار الکتب العلمیه. فیومی، احمد بن محمد (بی تا): المصباح المنیر، ایران-قم، مؤسسه دار الهجرة. قاسملو، فرید (۱۳۷۴): نگاهی به روند ایجاد و تکمیل تقویم (از آغاز تا پیدایش تقویم های خورشیدی)، مجله تحقیقات اسلامی. شماره ۱ و ۲. ص ۳۱۹-۳۴۰

قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴): الجامع لأحكام القرآن، ایران-تهران، چاپ اول. قطب، سید (۱۴۲۵هـ)، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق، چاپ سی پنجم.

۱۰۲ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال چهارم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳هـ): بحار الأنوار، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
مرزوقی اصفهانی، احمد بن محمد بن حسن (۱۴۱۷هـ): الأزمنة و الأمكنة، بیروت، دار الکتب العلمیة،
چاپ اول.

مکوندی، لیلا و همکاران (۱۳۹۸ش): گاه‌شماری محلی و چگونگی تطبیق آنها در اسناد اداری هخامنشی،
مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۲۰، دوره نهم.

